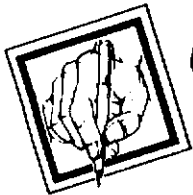


فرضیه‌ای از دل پیش‌فرضهای اثبات نشده



به یک مقاله پژوهشنامه
نگاهی

علی اصغر سیدآبادی

سقراط، مدام به دنبال معرفت یا دانش حقیقی می‌گشت. فکر می‌کرد معرفت از تعریف به دست می‌آید؛ از تعریف کامل یا به اصطلاح «جامع و مانع»، یعنی تعریفی که مولای درزش نرود. این جست و جوی معرفت یا دانش را سقراط از پایین‌ترین مرتبه جامعه شروع می‌کرد و به عالی‌ترین مراتب می‌رسید. مثلاً، اول می‌رفت سراغ کفاش محل، و می‌پرسید: «استادا! چه کار داری می‌کنی؟» استاد کفاش هم لابد می‌گفت: «دارم کفش می‌دوزم». سقراط می‌گفت: «خب، تو که کفش می‌دوزی، لابد بر ماهیت کفش معرفت داری؟» کفاش می‌گفت: «فرمایش شما را درست نفهمیدم!» سقراط می‌گفت: «یعنی، می‌دانی کفش چیست؟» کفاش هم مثلاً می‌گفت: «بله، آقای سقراط! کفش چیزی است که آدم به پایش می‌کند که مثل شما پابرهنه راه نرود». آن وقت

جناب آقای حموانی عزیز

با سلام و خسته نباشید. در شماره ۸ پژوهشنامه، مقاله‌ای از دوست خوبمان سید علی کاشفی در نقد مقالات اینجانب و نظرات دیگران چاپ شده است. از آنجا که حقیر فکر می‌کند بزرگترین خدمت به ادبیات کودک، دامن زدن به اختلافات و دعوای علمی یا به قول ادماهای باسواد «گفت‌مان» است، پاسخی در این خصوص نوشته‌ام. مثل همه نوشته‌هایم، شاید کسی سریع و تند باشد که به قول کاشفی «به خاطر دهانی بودن» من است. خودم چنین صراحتی را می‌پسندم، اما اگر به نظر شما زیاده‌روی شده است، خودتان از سدتنش کم کنید. البته یادم رفت که اصلاً ممکن است کل مطلب را مناسب تشخیص ندهید، هرچند که این روزها قانون و جامعه مدنی و از این قبیل صحبتها زیاد است؛ البته اگر دیگر برادران بگذارند. روده‌درازی کردم، ببخشید.

با تشکر علی اصغر سیدآبادی

سقراط می‌گفت: «ها، پس تو جوراب هم می‌دوزی!...»

این لطیفه‌گونه را آقای نجف دریابندری در پاسخ به سؤالی که دربارهٔ تعریف ترجمه از وی پرسیده‌اند، گفته است و من می‌خواهم مصادره به مطلوبش کنم. واقعیت این است که نمی‌توان از آقای کفاش توقع داشت که تعریف دقیقی ارائه بدهد، ولی از کسی که در حوزهٔ تعریف کردن فعالیت می‌کند، باید توقع دقت داشت.

در شماره ۸ پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، مقاله‌ای با عنوان «مطبوعات کودک و نوجوان: روزنامه‌نگاری یا ادبیات؟» چاپ شده است که با کمی دقت می‌توانست مفیدتر و شسته و رفته‌تر باشد.

در این مقاله، با اشاره به دو مقالهٔ اینچانب در کاغذ اخبار (ویژه‌نامهٔ جشنوارهٔ مطبوعات) و گلبانگ، بدون اینکه نامی از نویسنده‌اش برده شود، از قلم نوشته شده: «روزنامه‌نگاری کودک و نوجوان با ادبیات برای کودکان و نوجوانان، دو عرصهٔ جدا از هم است و به تبع آن، هدفها، شیوه‌ها و کارکردهای آن هم متفاوت است.»

نویسنده در چند سطر بعد، با اشاره به اینکه باور همگان دربارهٔ ادبیات و مطبوعات کودک و نوجوان این است که اینها دو مقوله و قالب جداگانه‌اند، نتیجه‌گیری کرده‌اند که «علت اصلی این تلقی و نگرش را باید در هم‌خانواده دانستن ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات جستجو کرد. بر طبق نگرشی سنتی، ادبیات کودک و نوجوان شاخه‌ای از ادبیات فرض می‌شود که شامل آثار ادبی مناسب برای کودکان و نوجوانان است.»

نویسنده در بخش دیگری از مقاله‌اش، با بیان اینکه هنر بر طبق تمام تعاریف، نوعی محاکات شخصی است، نوشته است: «در تعریف هنر، نشر و عرضه عمومی برای

مخاطب، مذکور و ضروری نیست، اما ادبیات کودک و نوجوان در بدیهی‌ترین، دست‌ناخورده‌ترین و ابتدایی‌ترین صور و مراحل تصور و خلق آن، حضور دائمی مخاطبی خاص و تعریف شده را با خود دارد.»

وی همچنین با نقل قولی از هربرت رید نوشته است که: «وی منکر اصل بودن تأثیر، آموزش، ارتباط و هدف در هنر می‌شود در حالی که در ادبیات کودک و نوجوان هدف، آموزش، برقراری رابطه و کسب نتیجهٔ مورد نظر، از بدیهی‌ترین پیش‌فرضهای کار است.» و به این ترتیب ثابت کرده است که حتی «ادبیات برای کودک» نیز ادبیات نیست.

وی همچنین با بیان اینکه کتابها و مجلات کودکان در معنای اصیل کلمه، هنر و ادبیات نیستند، می‌نویسد: «درواقع، دوستانی که بین ادبیات کودک و نوجوان و مطبوعات کودک و نوجوان تمایز، افتراق و حتی تضاد دیده‌اند، دچار خلط قالب و معنا شده‌اند. نسبت ادبیات کودک و نوجوان با مطبوعات کودک و نوجوان، نسبت کل به جزء است و دوئیتی در میان نیست.»

برای پاسخ دادن به مقاله‌ای که سعی کردم، خلاصهٔ گویایی از آن را بیاورم، به آغاز نوشته‌ام برمی‌گردم. راستش اگرچه حقیر گاهی کفاشی هم می‌کنم، اما چون کفاشی و تعریف کفش و کفاشی را دو حوزهٔ متفاوت می‌دانم، سعی می‌کنم وقتی وارد حوزهٔ تعریف می‌شوم، دقیق‌تر باشم. در آن مقالهٔ مورد اشاره هم فکر می‌کردم که چنین دقتی را به کار برده باشم.

○ ادبیات برای کودک و ادبیات کودک

در همان مقاله، با اشاره به تعریف دکتر

سر این مسئله اختلاف دارند.

این مسئله در گزارش میزگردی که قبل از مقاله با عنوان پیش‌درآمدی بر یک مقاله آمده، کاملاً روشن است و در اولین سطر از قول آقای سیدی آمده است: «اینکه مطبوعات بیشتر جنبه روزنامه‌نگاری داشته باشند و یا ادبی، بستگی به سیاستگذاری‌های مسئول دارد.»

بگذارید خیال نویسنده گرامی را راحت کنم در این مورد که روزنامه‌نگاری کودک بخشی از ادبیات کودک است، هیچ کسی تردیدی ندارد و اگر حرفی از تفاوت به میان می‌آید، منظور تفاوت «ادبیات برای کودکان» یا روزنامه‌نگاری کودکان است که باز هم گمان نمی‌کنم کسی منکر این تفاوت باشد. تمام نگرانی ایشان از یک بی‌دقتی کوچک ناشی می‌شود؛ همان بی‌دقتی را که آقای کفاش مرتکب شده بود.

○ مقایسه دو مقوله غیر هم‌جنس

جدای از این بی‌دقتی که اشاره کردم، ایراد دیگری بر این مقاله وارد است و آن مقایسه کردن دو مقوله غیر هم‌جنس است که به طور منطقی قیاسی مع الفارق است، به خصوص که ایشان پس از ارائه دلایل متفاوت، ثابت کرده‌اند که بین این دو مقوله تمایزی نیست در حالی که غیر هم‌جنس بودن بزرگترین تمایز است.

دوست نویسنده‌مان دقت نکرده‌اند که نمی‌توان مطبوعات را با ادبیات مقایسه کرد. مطبوعات به سطوح چاپی اطلاق می‌شود که ویژگی خاصی مثل نظم دوره‌ای و... دارند در حالی که برای ادبیات، نمی‌توان صورتی فیزیکی تصور کرد. آنچه که باید مقایسه شود، کتاب با مطبوعات و روزنامه‌نگاری با ادبیات است که بحث از مقایسه این دو نیز با هم متفاوت است و تمام کوشش اینجانب در

شعاری نژاد نو شتم که اگرچه ادبیات کودک در تعریف شامل همه نوشته‌ها و آثار ادبی و غیرادبی برای کودک می‌شود [و امروز فکر می‌کنم هیچ‌کس در این نکته اختلافی ندارد و حداقل خلافتش را ندیده‌ام] اما در حوزه عمل، ادبیات کودک به معنی ادبیات برای کودک گرفته شده و معیارهای ادبی، معیار سنجش آثار غیرادبی مثل گزارش و مصاحبه و حتی مقالات علمی است.

به همین دلیل هم سعی کرده بودم که وقتی می‌خواهم از آثار ادبی برای کودکان سخن بگویم از اصطلاح «ادبیات برای کودکان» استفاده کنم و وقتی همه آثار را در نظر داشته‌ام از اصطلاح «ادبیات کودک». اگر به نخستین جمله‌ای که از قول من نقل شده است برگردیم، این دقت غیرکفاشانه [جرئت نکردم بنویسم سقراط‌گونه] در آن مشهود است و هنوز هم معتقدم که بین «روزنامه‌نگاری کودک و نوجوان» و «ادبیات برای کودکان و نوجوانان» باید تفاوت وجود داشته باشد و این به معنی تمایز قایل شدن بین ادبیات کودک و روزنامه‌نگاری کودک نیست.

به بیانی دیگر، مطبوعات کودک و نوجوان محملی برای ارائه آثار ویژه این گروه‌های سنی است و دعوای اصلی که نویسنده محترم مقاله از آن غفلت کرده‌اند، این است که این محمل با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، برای ارائه چه آثاری مناسب‌تر است، آثار ادبی مثل شعر و قصه یا آثاری مثل گزارش و خبر؟ و نسبت انواع و گونه‌های ادبیات کودک (شامل تمام آثار و نوشته‌ها برای کودکان) در این محمل چقدر است؟ به بیانی دیگر، این محمل برای پاسخگویی به نیازهای فوری‌تر و به‌روز خوانندگان، مناسب‌تر است یا نیازهای همیشگی و غیرفوری آنها؟ و طرفین دعوا بر

مقاله‌ای که مورد نقد واقع شده، تبیین همین تفاوتهاست.

وقتی این دقت را به کار ببریم، دیگر نوشتن این جمله که: «کتابها و مجلات کودکان در معنای اصیل کلمه، هنر و ادبیات نیستند» ضرورتی ندارد زیرا کتاب و مجله، وسیله و محملی برای ارائه ادبیات و هنر است و در هیچ معنایی، ادبیات و هنر نیست. درست مثل این است که برای اثبات متفاوت بودن تلویزیون و فیلم کوشش کنیم.

○ نگرشهای سیال و احکام قطعی

بحث دیگر این مقاله، نسبت «ادبیت» در ادبیات کودک است که به نظر می‌رسد مقاله آقای محمدی با عنوان «فرایند آفرینش ادبیت و معنای ادبیات کودکان» در شماره ۷ پژوهشنامه ما را تا حدودی از بحث دربارهٔ اثبات اینکه گونه‌های مختلف ادبی برای کودکان نیز ادبیاتند، بی‌نیاز می‌کند. اما ذکر یکی دو نکتهٔ دیگر را هم در این باره بی‌مناسبت نمی‌دانم.

یکی از تفاوت‌های اساسی ادبیات و روزنامه‌نگاری در این است که در ادبیات، مخاطب در فرایند آفرینش نقش بی‌واسطه ندارد و تنها از طریق تجربیات و ذهنیات آفرینندهٔ اثر، در آفرینش آن دخالت می‌کند، یعنی مرحلهٔ انتخاب مخاطب در نقطهٔ آغاز فرایند تولید ادبیات نیست بلکه مخاطب آن پس از انتشار اثر ادبی مشخص می‌شود، ولی در روزنامه‌نگاری، مخاطب به‌طور دقیق تعریف شده و اثر متناسب با او تولید می‌شود. البته این به آن معنی نیست که مخاطب در ادبیات هیچ انگاشته شود.

از سوی دیگر، آنچه «ادبیت» یک اثر را تعیین

می‌کند، توجه یا بی‌توجهی به مخاطب یا دیگر جوانب اثر نیست و آنچه نویسندهٔ محترم به آن اشاره کرده‌اند، فقط در حد یک گرایش و مکتب ادبی، قابل احترام و تأمل است و با بیان نقل و قولهای مختلف نمی‌توان به اثبات آن پرداخت؛ دلایل محکمتری می‌باید، چراکه ده‌ها نقل و قول دیگر می‌توان یافت که ناقض نقل قولهای قبلی باشند. مثلاً کسانی که از ادبیات متعهد، شعر اجتماعی و انقلابی و... نام می‌برند، آیا با چنین نگرشی موافقت؟

چنین نگرشی برآمده از تفکری انتزاعی است و در عالم واقع شکلی دیگر می‌گیرد، زیرا فقط می‌تواند دربارهٔ کسانی مصداق داشته باشد که هنگام آفرینش اثر و بعد از آن به فکر عرضه نباشند. ضمن اینکه بحث دربارهٔ چنین موضوعی به دلیل ناآگاهی از انگیزه‌ها و تفاوت در نحوهٔ آفرینندگی بین پدیدآورندگان ادبیات که امری کاملاً شخصی و غیرقابل دسترسی است، امکان‌پذیر نیست و تنها می‌توان تجارب فردی را بیان کرد.

از سوی دیگر، باید توجه داشته باشیم که نگرشها در حوزهٔ فلسفه و جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، نگرشهایی سیال است و فرایند رسیدن به یک نگرش به دلیل ویژگی فراگردی، از پایان‌ناپذیری خاصی برخوردار است. حتی مدتهاست که در حوزهٔ علوم تجربی نیز صدور احکام قطعی با تردید صورت می‌گیرد و نمی‌توان به راحتی حکم صادر کرد که «ادبیات کودک و نوجوان در بدیهی‌ترین دست ناخورده‌ترین و ابتدایی‌ترین صور و مراحل تصور و خلق آن، حضور مخاطبی خاص را با خود دارد، پس ادبیات نیست. در واقع این فرضیه بر پیش‌فرضی اثبات نشده استوار است: پیش‌فرضی که می‌گوید «ادبیات به این دلیل ادبیات است که در فرایند آفرینش.

مخاطبی خاص را در نظر نمی‌گیرد.»

○ سخن آخر

تمام سعی حقیر در آن مقاله و مقاله‌های قبلی و بعدی این بود که بگویم مطبوعات کودک و نوجوان هویتی مستقل از ادبیات برای کودکان و نوجوانان دارد و به دلیل همین هویت مستقل، هدف، کارکرد، ابزار و شیوه‌های مختلفی را به کار می‌گیرد.

در تمام این مقالات، می‌خواستم از هویت مستقلی دفاع کنم که سردبیر محترم پژوهشنامه جناب آقای حجوانی آن را به رسمیت نمی‌شناسد و کاش در سرمقاله ویژه‌نامه‌ای که برای مطبوعات منتشر کرده است، به موضوع مهمتری می‌پرداخت و این مقاله خواندنی و مفید را در شماره‌ای دیگر منتشر می‌کرد. [قسمت سخن آخر برای حذف شدن نوشته شده است!]



نامه‌ای که با عنوان «سلامی به نقد فصل» در شماره ۹ درج گردید از نویسنده محترم آقای عبدالمجید نجفی بود. اما نام ایشان تنها در فهرست صفحه اول قید شده بود. به این وسیله عذر می‌خواهیم.

در ضمن آقای نجفی بلافاصله نامه دیگری برای ما فرستادند و خبر دادند که ناشر محترمی که مطلب ایشان را منتشر نموده‌اند، بدون اطلاع از مفاد نامه، طی تماسی گفته‌اند که مبلغ اولیه علی‌الحساب بوده و اینک باقیمانده آن آماده پرداخت است.

پژوهشنامه
ادبیات کودک و نوجوان

